قاعده لا ضرر، جلسه 3، 18/10/1398

بسم الله الرحمن الرحیم

بررسی روایات دال بر لاضرر

بحث ما در مورد بررسی روایات عامه بود و امروز روایت دوم را نقل میکنیم

روایت دوم از عامه: «ومنها ما رواه مبارک بن محمد الشیبانی الموصلی الشافعی المعروف بإبن الاثیر فی نهایة اللغة قال و فی الحدیث، «لاضرر و لا ضرار فی الاسلام»، در این روایت قید «فی الاسلام» را دارد که بعدا در مورد این قید می خواهیم صحبت کنیم؛

بل « عن الشیخ الاعظم فی الرسائل و رسالته المستقلة»، شیخ چند تا رسالة دارد که یک رسالة اش در مورد لاضرر نوشته شده است؛ «و فی رسالته المستقلة حول القاعدة نقلاًعن النهایة بأنّه روی مرسلا عن النبی صلی الله الله علیه و آله هذه الروایة» مرحوم شیخ در رساله لاضرر خود این روایت را به نحو مرسل آورده است، یعنی سند ندارد. «فنکتفی من العامّة بهاتین روایتین حیث قد ورد عنوانی الضرر و الضرار مع وجود کلمة فی الاسلام».

روایاتی که از شیعة در لاضرر نقل شده

و اما الان شروع میکنیم به نقل روایاتی از شیعه که تعبیر «لا ضرر و لاضرار»، درآن نیست اما مشتقات دیگر مثل «تضارّ» و... در آن وجود دارد و در زمینه این قاعده از آن بهره برده شده است؛ از آن جمله روایتی است که مرحوم صدوق در عقاب الاعمال نقل کرده است،[[1]](#footnote-1) «عن النبی صلی الله علیه و آله قال ومن أضرّ بالمرئة حتی تفتدی نفسها لم یرض الله له بعقوبة دون النار»؛ هر کس به همسرش ضرر برساند تا همسرش مجبور شود فدیه دهد، جزای او جز آتش نیست. الی أن قال «من ضارّ مسلما فلیس منّا و لسنا منه فی الدنیا و الآخرة»؛ کسی که مسلمانی را اذیت می کند از ما، در دنیا و آخرت نیست؛ إلی أن قال «و إنّ الله و رسوله بریئان ممن اضرّ بإمرأته حتی تختلع منه»؛ خدا و پیامبرش بیزار است از کسی که همسرش را اذیت می کند تا او را طلاق خلع دهد، از زنش پول می گیرد تا طلاقش دهد.

و منها: ما رواه الکینی[[2]](#footnote-2) عن محمدبن یحیی عن احمد بن محمد عن محمدبن یحیی عن طلحة عن أبی عبدالله عن أبیه علیهما السلام قال قرأت فی کتاب لعلیّ علیه السلام، إنّ رسول الله صلی الله علیه وآله کتبا بین المهاجرین و الانصار»، نوشته ای را در بین مهاجر -گروهی که از مکه مهاجرت به مدینه کردند.- و انصار -گروهی از مسمانان که در مدینه بودند.- نوشتند. «و من لحق بهم من اهل یثرب إنّ کل غازیة -أي حرب- غزت»، هر جنگی که برپا می شود، «بما یعقب بعضها بعضها»، در برخی نسخ ها «بما» ندارد. بلکه نسخه، «غزت یعقب بعضها بعضها بالمعروف و القسط بین المسلمین »، جنگ که برپا می شود و قتل و قتال است و هم دیگر را تعقیب می کنند، با لطف و محبت جلو برو، «فإنه لایجوز حرب الا بإذن اهلها»، هیچ جنگی جایز نیست مگر با اذن امام یا پیامبر صلی الله علیه و آله یا فقیه زمان، حق قتل و ضرب نیست مگر با اجازه؛ «و أنّ الجار کالنفس غیر مضارّ ولا آثم»، همسایه مثل خود آدم است، حضرت تشبیه می کند بین همسایه و جنگ، که در هردو باید عادلانه باشد. «و حرمة الجار علی الجار کحرمة امّه و أبیه»، همسایه حق بالایی دارد بمنزله حق مادر می باشد، «لایسالم مومن دون مومن فی قتال سبیل الله الا علی عدل و سواء»، همه را به صورت عدالت قتال داشته باشیم.

در بعضی نسخ «غزت معنا» دارد و برخی نسخه «لاتجار حرمة» بدل «لایجوز حرب» دارد و در نسخه کتاب وسائل ما دارد «لایجاز حرمة الا بإذن اهلها» فکیف کان، دشمن در جنگ نیز مثل هسایه است؛ لذا این روایت هم دلالت می کند که ضرر رساندن به همسایگان حتی در حال جنگ هم جایز نباشد.

الحمدلله رب العالمین

1. . وسائل الشیعه، باب 2 باب طلاق، خلع و مبارات، ج15، ح2، [↑](#footnote-ref-1)
2. وسائل الشیعة، باب 20 از ابواب جهاد و ما یناسبه ج11، ح5 [↑](#footnote-ref-2)